

میانجیگری در روابط بین الملل (مطالعه موردی: عمان تا پایان دوره سلطنت سلطان قابوس در سال ۲۰۲۰م)

فاطمه شایان  ID*

گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: روابط بین الملل حوزه موضوعی: عمان	در این پژوهش چرایی و چگونگی نقش میانجیگری کشور کوچکی مانند عمان در غرب آسیا و حتی در سطح بین الملل، همچنین ابزارها و سازوکارهای این کشور در دستیابی به این اهداف بررسی شده است. چارچوب نظری این پژوهش نقش میانجیگری در روابط بین الملل است و بر صداقت و بی طرفی میانجیگر تأکید شده است، به ویژه بر کشورهای کوچک میانجیگری که ماهیت تهدیدکننده ندارند و مایل هستند در صحنه بین المللی وجهه کسب کنند. در این پژوهش، انگیزه های عمان برای میانجیگری در قالب زمینه های کسب اعتبار و شهرت، نقش بازیگر فعال، و میانجیگری به عنوان وظیفه اسلامی و دینی بررسی شده است. نقش رهبری سلطان قابوس و اتخاذ سیاست بی طرفی و سیاست خارجی عملگرایی او، و رفاه و ثبات مالی دلایل عمده ای است که عمان توانسته است در مناقشات فلسطین و اسرائیل، ایران و عربستان و مناقشه هسته ای بین ایران و غرب میانجیگری کند. نتایج پژوهش نشان می دهد که عمان، به ویژه تا زمان رهبری سلطان بن قابوس، در سایه کسب درآمدهای نفتی، میانجیگر عمل کرده و وجهه کسب کرده است، اما به طور سنتی چنین نقشی را ایفا کرده و راه حل های کوتاه مدت داشته است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۸ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱	
واژگان کلیدی: درآمدهای نفتی، سلطان قابوس، سیاست خارجی عملگرا، میانجیگری، وجهه.	

ارجاع به این مقاله: شایان ف. (۱۴۰۲). «میانجیگری در روابط بین الملل (مطالعه موردی: عمان تا پایان دوره سلطنت سلطان قابوس در سال ۲۰۲۰م)». *مطالعات کشورها*. ۱۱(۲): ۲۱۵-۲۳۳. doi:

<https://doi.org/10.22059/jcountst.2023.357115.1024>

وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰

ناشر: دانشگاه تهران



۱. مقدمه

اختلاف و تنش‌ها همیشه بخشی از واقعیت‌های زندگی بشری بوده است بدین دلیل که افراد و کشورها چشم‌اندازها، منافع و آرمان‌های خود را دنبال می‌کنند. بر همین اساس، نگرانی‌ها و منافع آن‌ها با هم متفاوت است و وقتی تعلقات خاص یک کشور با دیگری تداخل یابد، زمینه اختلاف‌ها نیز ایجاد می‌شود. بدین ترتیب، از دیرباز دعوا و اختلاف در جوامع بشری وجود داشته و برای حل آن نیز راه‌حلهایی مطرح شده است و هم اختلاف‌ها و هم راه‌حل‌ها در هر زمانی تکامل پیدا کرده است. در بسیاری از موارد، طرفین اختلاف ترجیح می‌دهند که اختلاف‌های خود را سریع‌تر و با هزینه کمتری توسط شخص یا دولتی ثالث به‌طور محرمانه، خصوصی و غیرعلنی حل‌وفصل کنند. در این میان، یکی از شیوه‌های مهم حل‌وفصل اختلاف‌ها میانجیگری است.

با شروع قرن جدید، عمان به‌عنوان یکی از میانجیگران در منطقه خاورمیانه و بین‌الملل نقش مهمی را ایفا کرده است. در میانجی‌گری‌های عمان در مناقشه آمریکا و ایران، عمان از خود چهره‌ای قابل‌اعتماد نشان داد، بر این مبنا که به صلح و امنیت علاقه‌مند است.

در این پژوهش، انگیزه‌ها و کیفیت تلاش‌های میانجی‌گرایانه عمان بررسی شده است. این کشور کوچک در زمینه میانجیگری و حل اختلاف‌ها تلاش‌های فعالی داشته است. سؤال‌های اصلی در این پژوهش به قرار زیر است: چرا و به چه دلایلی کشور کوچکی مثل عمان توانسته است در غرب آسیا و حتی در سطح بین‌المللی میانجیگری کند؟ برای حل مناقشه‌ها یا کاهش آن، عمان از چه ابزارها و سازوکارهایی بهره برده است؟

در پاسخ به این سؤال‌ها، این فرضیه مطرح می‌شود که نقش رهبری سلطان قابوس و اتخاذ سیاست بی‌طرفی و سیاست خارجی عمل‌گرای او، و رفاه و ثبات مالی نقش میانجیگری عمان را باعث شده است؛ اما، سلطان قابوس در عمان به‌طور سنتی میانجیگری کرده است. دوره زمانی مورد بررسی در این مقاله تا پایان سلطنت سلطان قابوس است و دوره سلطنت هیثم بن طارق آل سعید سلطان از سال ۲۰۲۰م، به‌دلیل تطویل کلام، در محدوده بررسی این مقاله قرار نمی‌گیرد.

روش تحقیق در این پژوهش با توجه به ماهیت نظری موضوع، توصیفی-تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها درباره موضوع از منابع

کتابخانه‌ای، اینترنتی و به‌ویژه از روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها استفاده شده است. در این پژوهش، بعد از مرور پیشینه پژوهش و بحث نظری، نخست دلایل عمان برای میانجیگری بررسی شده است. کشور کوچکی مانند عمان در صدد دستیابی به راهبردهای امنیت ملی و علاقه‌مند به کسب وجهه در صحنه بین‌المللی است. سپس، ابزار و سازوکارهای عمان، مانند دیپلماسی شخصی فشرده و صرف هزینه برای میانجیگری، بررسی شده است. در پایان، یافته‌های تحقیق شامل موفقیت یا شکست عمان در میانجیگری ارزیابی می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

اینکه کدام کشورها، چگونه و با چه ابزارهایی میانجیگری کرده‌اند به‌طور مختصر در برخی مطالعات بررسی شده است. به‌طور مثال، در تحقیقات خارجی، سلطان برکات درباره میانجیگری قطر به تحلیل دستاوردها و بلندپروازی‌های قطر پرداخته است. برکات به دنبال تحلیل و ارزیابی نقش میانجیگری کشورهای کوچک است؛ اینکه چه عواملی به پیشرفت قطر در این زمینه کمک کرده است (Barakat, 2014: 4-51). با این همه، درباره نقش میانجیگری عمان تحقیقات چندانی انجام نشده و این جنبه مغفول مانده است.

جیمز ورال در مقاله «سوئیس کشورهای عربی: سیاست خارجی عمان و میانجیگری در غرب آسیا»، بیان می‌کند که عمان میانجیگری کلیدی در خلیج فارس و خاورمیانه شناخته شده است. میانجیگری در توافق هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۵م، به‌طور اخص این نقش را برای عمان تقویت کرد. ورال، برای بررسی شیوه‌های میانجیگری، به نقش سیاست خارجی عمان می‌پردازد و بیان می‌دارد که عمان به «کشوری گفتگوکننده» تبدیل شده است. برای این کشور میانجیگری ابزاری مهم برای پیشبرد اهداف اصلی حفظ سیاست خارجی مستقل عمان و در نتیجه حاکمیت و امنیت خود سلطنت است (Worrall, 2021: 134).

منیره محمد البلوشی در مقاله «بی‌طرفی عمان: سلاح صلح‌آمیز برای امنیت کشور»، تحلیل می‌کند که عمان با میانجیگری‌های موفق که انجام داده توانسته است جوایز صلح بین‌المللی دریافت کند. به‌گفته البلوشی، عمان به کشوری خردمند تبدیل شده است و عقلانی عمل می‌کند. موضع بی‌طرف عمان نیز محصول طولانی‌مدت تاریخ چندفرهنگی عمان است که باعث شده است عمان اهمیت حفظ این موقعیت را تشخیص دهد. موضع بی‌طرف عمان در هر نوع

درگیری سیاسی به‌جد نشان از آن دارد که این کشور از وضعیت حساس منطقه خلیج فارس و منافع آن در تنگه هرمز، به‌ویژه در رابطه با ایران، آگاهی دارد (AI- (Balushi, 2020: 4).

مختاری و آدمی (۱۳۹۶) اشاره می‌کنند که روابط ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس در سطح بالایی نبوده است و این عدم‌همکاری به ضرر ایران و همسایگان است. اما، همکاری و هم‌بستگی میان ایران و عمان ممکن است به نفع دو طرف و الگویی برای همکاری با دیگر کشورها و نویدبخش منطقه‌ای امن و کم‌تنش باشد. در پژوهش آن‌ها به میانجیگری‌های عمان، به‌ویژه در زمینه مناقشه هسته‌ای ایران و غرب، و میانجیگری‌های عمان اشاره‌ای نشده است.

کرمی و دوست‌محمدی (۱۳۹۵)، به تحلیل این گفتمان پرداخته‌اند که روابط ایران و عمان کمتر از قاعده کلی روابط با اعضای شورای همکاری خلیج فارس پیروی کرده و در اوج جنگ ایران و عراق نیز این رابطه حفظ شده است. فرضیه نویسندگان این است که اشتراک‌های تاریخی و فرهنگی در قالب وجود مذهب اباضیه در عمان و مذهب شیعه در ایران، در کنار ویژگی‌های اعتدال‌گرایانه سلطان عمان، رابطه‌ای پایدار را موجب شده است تا رویکرد سیاست خارجی این کشور قربات و نزدیکی بیشتری با ایران داشته باشد. اگرچه کرمی و دوست‌محمدی به سیر تاریخی روابط عمان و ایران پرداخته‌اند، به میانجیگری عمان اشاره‌ای نمی‌کنند و مباحث نیز بدون به‌کارگیری مباحث نظری تحلیل می‌شود.

جعفری ولدانی (۱۳۸۹) نیز ژئوپلیتیک تنگه هرمز و روابط ایران و عمان را تجزیه و تحلیل کرده است. نزدیکی جغرافیایی ایران و عمان به تنگه هرمز، دورافتادگی جغرافیایی عمان از جهان عرب و اهمیت ژئوپلیتیک تنگه هرمز اهمیت روابط ایران و عمان را تشدید کرده است. وی نتیجه می‌گیرد که به‌همین دلیل، علی‌رغم اینکه عمان رابطه نزدیکی با آمریکا و اسرائیل داشته است، این امر در روابط ایران و عمان تأثیری نداشته است. جعفری‌ولدانی نقش تنگه هرمز را از نظر تاریخی، اقتصادی، راهبردی و امنیتی تحلیل می‌کند، اما به نقش میانجیگری عمان و انگیزه‌ها و دلایل آن اشاره‌ای نکرده است.

نوآوری پژوهش حاضر بر این امر استوار است که اگرچه پژوهش‌های دیگری نیز درباره عمان و سیاست خارجی این کشور به رشته نگارش در آمده است، در حال حاضر پژوهش خاصی وجود ندارد که در آن نقش میانجیگری عمان با استفاده از مباحث نظری در روابط بین‌الملل بررسی شده باشد. در این پژوهش، با

توجه به میانجیگری در روابط بین‌الملل، به بررسی آن پرداخته‌ایم. همچنین، بر دوره و نقش سلطان قابوس در میانجیگری عمان تأکید داشته‌ایم.

۳. چارچوب نظری: میانجیگری و اهمیت آن در روابط بین‌الملل

نخستین قواعد جامع برای حل اختلاف‌های بین‌المللی از طریق میانجیگری در کنفرانس ۱۸۹۹ لاهه اتخاذ شد (واعظی، ۱۳۸۴: ۱۸). میانجیگری امری اختیاری است، اما به موجب برخی قراردادهای چندجانبه بین‌المللی، نوعی میانجیگری اجباری نیز وجود دارد که دو یا چند دولت توافق می‌کنند در صورتی که بین آن‌ها اختلافی رخ دهد، کشوری ثالث و مورد توافق قبلی دو طرف، میانجیگری و اختلاف را رفع کند. توسل به میانجیگری اجباری در سال ۱۸۵۶م در کنگره پاریس پذیرفته شد و دول میانجیگر از طریق مذاکره به حل اختلاف می‌پردازند (همان). باین حال، دولت‌ها به میانجیگری غیراجباری چندان اقبال نشان نداده‌اند. با وجود این، میانجیگری امری است اختیاری و این ویژگی‌ها را شامل می‌شود: ۱. کشور میانجی به هیچ وجه مجبور نیست اراده خود را تحمیل کند؛ ۲. کشورهای طرف اختلاف در رد یا قبول پیشنهادهای کشور میانجیگر آزادند؛ و ۳. نتیجه میانجیگری الزامی برای طرفین به وجود نمی‌آورد (همان).

از نظر استنلو، میانجیگری یعنی نفوذ بر طرفین دعوا برای رسیدن به توافق با توجه به به‌کارگیری زمینه‌های مورد علاقه دو طرف دعوا (Stenelo, 1972: 37). اما این تعریف پیچیدگی‌های میانجیگری را پوشش نمی‌دهد. بی‌پیک و موتون تعریف جامع‌تری را مطرح کردند: «میانجیگری نفوذ طرف سوم در مناقشه است که مشکل را بررسی و سپس با هر گروه به‌طور جداگانه گفتگو کند تا به راه‌حل دست یابند» (BPake & Mouton, 1985: 15).

در اکثر این تعریف‌ها، بر صداقت و بی‌طرفی میانجیگر تأکید شده است؛ اینکه به‌طور مسالمت‌آمیز برای رفع تعارض قدم برمی‌دارد. میانجیگر ممکن است سازمان، فرد، دولت یا گروه باشد، اما به نقش کشورهای کوچک برای حل مناقشات کمتر توجه شده است. برکوویچ و رابین به اهمیت نقش کشورهای کوچک در میانجیگری پرداخته‌اند و معتقدند این کشورها ضعف راهبردی خود را با میانجیگری پر می‌کنند (Bercovitch & Rubin, 1992: 4). میانجیگر با ویژگی بی‌طرفی و برتری اخلاقی میانجیگری می‌کند. ابرقدرت‌ها این ویژگی‌ها را ندارند. همچنین، کشورهای کوچک تهدیدگر نیستند و میانجیگری آن‌ها را دیگر کشورها

می‌پذیرند، به‌ویژه که اعتبار کشورهای بزرگ و درگیر در مناقشه نیز تحت‌الشعاع میانجیگری کشور کوچک قرار نمی‌گیرد. کشورهای کوچک، به‌جای تهدید و فشار، به ترغیب و تشویق روی می‌آورند تا دو کشور درگیر مناقشه را مجاب کنند. بنابراین، کشورهای کوچک بدون توسل به رفتار غیرمنصفانه و زور، سعی می‌کنند میانجیگری کنند (Slim, 1992: 207).

میانجیگری برای کشورهای کوچک به‌منزله قدرت نرم است تا وجهه و نفوذ فرهنگی خود را در صحنه بین‌المللی افزایش دهند. این کشورهای کوچک در مورد اینکه کجا و چه زمانی میانجیگری کنند انتخابگر هستند و با زور و فشار و اجبار به صحنه میانجیگری وارد نمی‌شوند. آن‌ها نقش بازیگر ثالث را برعهده دارند و میانجیگری به درجه اعتبار و اعتماد دیگر کشورها به آن‌ها بستگی دارد؛ چون در عمل، این کشورهای کوچک تاریخ غنی و کهن یا قدرت و زور ندارند. با توجه به این محدودیت‌ها، کشورهای کوچک میانجیگرهایی در سطح منطقه‌ای برای حل مناقشات هستند (Barakat, 2014: 18).

۴. بحث

۱.۴. انگیزه‌های عمان برای میانجیگری

انگیزه‌های اصلی عمان برای میانجیگری را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: کسب اعتبار و شهرت، ایجاد دیدگاهی به‌عنوان بازیگر رهبر، و میانجیگری به‌منزله وظیفه‌ای اسلامی و دینی.

در زمینه کسب اعتبار و شهرت، عمان کشوری کوچک و نسبتاً بی‌حاشیه در خلیج فارس است. سلطان قابوس از دهه ۷۰ به بعد، سیاست‌های ویژه‌ایی را در پیش گرفت که در منطقه غرب آسیا کم‌نظیر است: عمان در اختلاف‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای سعی کرده است بی‌طرف عمل کند؛ در یمن و سوریه مداخله نکند؛ و از همه مهم‌تر، با همه کشورهای هم‌کاری می‌کند تا افتخار میانجیگری را نصیب خود کند. همه این‌ها ویژگی‌هایی است که گاه این کشور به‌ظاهر در حاشیه را به بازیگری تبدیل می‌کند که شهرت، اعتبار و افتخار کسب کند (حسینی، ۲۰۱۸: ۱).

به‌طور کلی، نخستین دستاورد میانجیگری نوعی افتخار ملی و وجهه برای عمان است. از لحاظ سیاسی نیز توجه افکار عمومی به کشور کوچکی مانند عمان جلب می‌شود و عمان در منطقه و در جهان احساس نقش‌آفرینی دارد. با چنین ذهنیت مثبتی که کشوری میانجیگر مانند عمان ایجاد می‌کند، می‌تواند در

مناسبت‌های سیاسی و اقتصادی دو کشور طرف مناقشه با وجهه‌ای برجسته ظاهر شود. در میانجیگری، عمان به دنبال گرفتن امتیاز از جامعه بین‌المللی نیست، بلکه به دنبال وجهه و اعتبار در روابط بین‌الملل است (خبر آنلاین، ۱۳۹۸: ۱-۳).

در مورد انگیزه دوم، ایجاد دیدگاهی به‌عنوان بازیگر رهبر، سیاستمداران عمانی دیدگاهی دارند مبنی بر تبدیل شدن به بازیگری مطرح در غرب آسیا و در سطح بین‌الملل. عمانی‌ها میانجیگری را اولویتی راهبردی می‌دانند که با استفاده از آن می‌توانند تهدیدهایی مثل تروریسم، مسائل مربوط به فلسطین و مناقشات ایران و امریکا را کم کنند. بدین ترتیب، عمان کشوری کوچک با مناسبات و ارتباطات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و دارای سیاست خارجی فعال، منظم و معتدل در صحنه بین‌المللی است که بر مبنای استقلال، احترام به همسایگان و بی‌طرفی با حضور در سازمان‌های بین‌المللی در حال تبدیل شدن به کشوری مطرح است (سلوکی، ۱۳۹۷: ۱-۲).

سیاست خارجی عمان مبنی بر بازیگر مؤثر در غرب آسیا و در سطح بین‌الملل، به معنای به‌چالش کشیدن میانجیگری دیگر کشورهای بزرگ مثل عربستان و مصر، در غرب آسیا نیست. رابطه مصر و عربستان بعد از حسنی مبارک با تنشی بی‌صدا همراه بود و علی‌رغم سفر محمد مرسی، رئیس‌جمهور پیشین مصر، و عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهور کنونی مصر، به عربستان، رابطه آن‌ها به رابطه‌ای راهبردی تبدیل نشد و فرصت مناسبی را برای میانجیگری عمان فراهم کرده است. همچنین، مصر به همراه عمان و بحرین، در سال ۱۳۹۶ش ارتباط خود را با قطر با ادعای حمایت قطر از تروریسم و دخالت در کشورها قطع کرد و در حال حاضر، عمان با میانجیگری درصدد برقراری رابطه با این کشورهاست (ایرنا، ۱۳۹۸ الف: ۱).

با توجه به انگیزه سوم، عمان به میانجیگری به‌منزله و وظیفه‌ای اسلامی و دینی می‌نگرد. حل و فصل اختلاف‌ها خارج از دادگاه‌ها، و رجوع به اشخاص و دولت‌هایی غیر از قضات منصوب، از لحاظ شرعی بدون اشکال و مورد تأکید اسلام است. نه تنها بر برقراری صلح و سازش بین مسلمانان و حل و فصل اختلاف‌ها بین آن‌ها تردیدی وجود ندارد، بلکه به تلاش برای حل اختلاف‌ها تأکید زیادی نیز شده است. در قرآن، در سوره نساء، آیه ۲۸، به اهمیت صلح اشاره شده است. همچنین، در سوره حجرات، آیه ۱۰ می‌فرماید: صلح بر جنگ برتری دارد، چون همه مسلمانان برادرند و بین برادران باید صلح و سازش باشد. عمان به‌عنوان

کشوری مسلمان و با توجه به آیات قرآن، بر صلح، و حل و فصل اختلاف‌ها به‌طور دوستانه تأکید دارد.

۲.۴. دلایل عمان برای میانجیگری منطقه‌ای و بین‌المللی

دلایل متفاوتی مانند سیاست بی‌طرفی عمان، سیاست خارجی عملگرا، نقش سلطان قابوس در عمان برای میانجیگری، و رفاه و ثبات مالی نسبی در عمان سبب شده است تا این کشور به‌عنوان میانجیگر در غرب آسیا و حتی در صحنه بین‌المللی ظاهر شود.

عمان در رقابت‌ها و اختلاف‌های منطقه‌ای بی‌طرفی را پیشه کرده است و علی‌رغم اینکه عضو شورای همکاری خلیج فارس است، پیرو سیاست‌های منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس نشده است. عمان سعی کرده است باب همکاری با کشورهای دیگر را بگشاید تا وجهه میانجیگری را به خود اختصاص دهد. عمان رویکرد متفاوتی با ایران داشته است و این بی‌طرفی و استقلال رأی عمان را در برابر کشورهای عضو شورا موجب شده است و واقعیتی را ایجاد کرد مبنی بر اینکه حتی در جناح‌بندی‌ها برای جنگ یمن، قطع رابطه با قطر و مرگ جمال خاشقچی در عربستان، انتظار همراهی از عمان نیست (خبر/نلاین، ۱۳۹۸: ۱-۲). اگرچه عمان حین جنگ ایران و عراق، به دعوت عربستان به شورای همکاری خلیج فارس پیوست، با رویکرد خصمانه عربستان علیه ایران همراه نشد (مشرق نیوز، ۱۳۹۸: ۱-۲).

عمان در مسائل مربوط به یمن هم بی‌طرفی اتخاذ کرد و میانجیگر شد. یوسف بن علوی، وزیر خارجه پیشین عمان، از تلاش‌های این کشور در جهت پیدا کردن راه‌حلی برای حل مسئله یمن و کاهش تنش‌ها سخن گفته است تا منطقه به ثبات برسد (یرنا، ۱۳۹۸: ۱-۲). با شروع ناآرامی‌ها در سوریه در سال ۲۰۱۲م، عمان سیاست بی‌طرفی را پیش گرفت و با ابتکار عمل سعی می‌کرد مذاکراتی را بین دولت سوریه و مخالفان فراهم کند. در سال ۲۰۱۵م، مقامات عمانی به سوریه سفر کردند و با تصمیم رهبران اتحادیه عرب مبنی بر معلق کردن عضویت سوریه مخالفت کردند (همان).

رکس جی براینن^۱، استاد علوم سیاسی دانشگاه مک‌گیل، چنین تحلیل می‌کند که عمان کشوری بی‌طرف در تنش‌های فرقه‌ای و منطقه‌ای است. حدود

1. Rex J. Brynen

۷۰ درصد از مردم عمان سنی و شیعه نیستند، بلکه پیرو اباضیه، یکی از فرق مذهبی-اسلامی، هستند. همچنین، سیاست خارجی عمان بر مبنای ثبات و استمرار ترسیم شده و در همین چارچوب و در طول نیم قرن گذشته این مسئله تغییر نکرده است. قانون اساسی عمان، اجازه پیوستن این کشور را به بلوک‌ها و گرایش‌های خاص نمی‌دهد و این گویای بی‌طرفی عمان است (Brynen, 2016: 1). اما، بنیاد دفاع از دموکراسی در گزارش‌های اخیر خود تصریح می‌کند که عمان از سیاست بی‌طرفی خود در قرن بیست‌ویک فاصله گرفته است. تحلیل‌های این بنیاد نشان می‌دهد که عمان، پس از برجام، روابط محدود اقتصادی با ایران برقرار کرده است و بانک‌های عمانی ریال را به یورو تبدیل می‌کنند (Defense of Democracies, 2019). اما علی‌رغم این تحلیل‌ها، رهبران عمان معتقدند که بی‌طرفی جزئی از سیاست خارجی این کشور و بدان پای‌بند است.

نقش سلطان عمان نیز در بی‌طرفی این کشور اهمیت دارد. در سال ۱۹۷۰م، سلطان قابوس با کمک بریتانیا علیه پدرش کودتا کرد و به قدرت رسید. او خود را نماد عصر جدید برای کشوری با جمعیت کم معرفی کرد. او از ساختن آسمان‌خراش‌ها و سایت‌های علمی و تفریحی مانند ابوظبی و دبی دوری کرد و شکل سنتی شهرهای خود را حفظ کرد؛ اما، بر اولویت‌های فرهنگی تأکید داشت (رویداد/۲۴، ۱۳۹۸: ۱-۲). سلطان قابوس در نیم قرن گذشته در حل یا کاهش مناقشات منطقه‌ای نقش مثبت و برجسته‌ای داشته است. به‌طور مثال، پادشاه عمان در ایجاد روابط پایدار بین ایران و عمان نقش مهمی داشته است.

در دوران پهلوی، پادشاهی عمان در معرض تهدیدی جد قرار داشت و ایران برای برقراری امنیت در این پادشاهی کمک‌های زیادی کرد و توانست این کشور را از سقوط نجات دهد. با خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس، شورشیان ظفار که از طرف کشورهای خارجی حمایت می‌شدند دست به حملاتی علیه عمان زدند. در اسفند ۱۳۵۰ش، هیئتی عمانی به ایران آمد و تقاضای کمک کرد. ارتش ایران در سال ۱۳۵۳ش، ظفاری‌ها را پراکنده و در مهر ۱۳۵۴ش، ظفاری‌ها را نابود کرد (مشرق نیوز، ۱۳۹۳: ۱-۲). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ش، این روابط گسترش بیشتری یافت و حلقه‌ای ارتباطی بین ایران و کشورهای منطقه و جهان ایجاد کرد. مرگ سلطان قابوس، خلأیی موقتی در پادشاهی عمان بود، اما سلطان هیثم در کنار پسرعموی خود، سلطان قابوس، سعی کرد روابط مناسبی را با ایران ادامه دهد (برنا، ۱۳۹۰: ۱-۲).

به‌طور عمده، سلطان قابوس با تجربه‌ای که به‌طور سنتی کسب کرده بود، سعی می‌کرد با اعتدال، شرایط منطقه را رصد و اقدام‌های مناسبی برای میانجیگری انجام دهد. این درایت رهبری عمان حاکی از این است که منافع آنی را در برنامه‌های درازمدت خود قرار نداده و سعی کرده است واقع‌بینانه عمل کند (عزتی، ۱۳۹۸: ۱-۲). سلطان قابوس بر اساس مؤلفه‌های داخلی و خارجی اصولی را وضع کرد تا چراغ راهنمای سیاست خارجی قرار گیرد.

اصول سیاست خارجی عمان ده اصل برگرفته از تفکرات سلطان قابوس دارد: اصل نخست، تأکید بر و توجه به برنامه‌ریزی و استفاده از برنامه زمانی منظم در سیاست خارجی؛ اصل دوم، التزام به اصول اسلامی و مذهبی؛ اصل سوم، توجه به اصالت عربی؛ اصل چهارم، پذیرش واقعیت زیست‌راهبردی؛ اصول پنجم و ششم، تأکید بر اعتدال در سیاست خارجی؛ اصل هفتم، اهمیت مذاکره برای احقاق حقوق؛ اصول هشتم تا دهم، اشاره به بی‌طرفی در بحران‌های منطقه‌ای. با توجه به اصول سیاست خارجی عمان، سلطان قابوس چند گام اساسی برداشت:

۱. سیاست خارجی عمان بر اساس اقدام جمعی در مقابل آنچه در داخل و خارج عمان روی می‌دهد، بدون بهره‌برداری موضوعی از یک مسئله به نفع مسئله‌ای دیگر شکل گرفت.

۲. عمان مدتی در انزوا به سر می‌برد و در دوره گشایش، به نظام بین‌المللی وارد شد.

۳. در دوره بلوغ، سلطان قابوس زیرساخت‌های امنیتی، سیاسی و اجتماعی ایجاد کرد تا این کشور بتواند در اقدام‌های منطقه‌ای مشارکت کند.

نوع تعامل عمان، بی‌طرفی مثبت و میانجیگری است و این سیاست این فرصت را در اختیار سلطان قابوس گذاشت که مذاکرات را رهبری کند و با طرف‌های مناقشات مختلف تماس بگیرد (کرمی و دوست‌محمدی، ۱۳۹۵: ۱۳۱-۱۳۳).

رفاه و ثبات اقتصادی نسبی عامل دیگری است که عمان برای میانجیگری از آن بهره برده است. کشورهای میانجیگری که منابع مادی بیشتری دارند، برای چانه‌زنی در حل یا کاهش مناقشات توانایی بیشتری دارند. این منابع مادی عبارت است از پول و درآمدهای حاصل از فروش منابع انرژی و یا فراهم کردن مکانی برای گفتگو و مذاکرات در کشور میانجی (Bohmelt, 2010: 168). به‌طور مثال، عمان در سال ۲۰۱۳ م که نقش میانجیگر را بین تهران و واشنگتن به عهده داشت

و نتایج ابتدایی در زمینه توافق هسته‌ای در پی داشت، محل مناسبی در مسقط برای مذاکره‌کنندگان فراهم کرد. حنیفه المغیری، سفیر عمان در امریکا، به این مسئله اشاره کرده است که عمان در این مذاکرات میانجیگر بوده و محل مناسبی را برای مذاکره‌کنندگان فراهم کرده است. در تشریح این انگیزه، المغیری تأکید می‌کند که عمان با امریکا و ایران روابط دوستانه دارد. این روابط دوستانه برپایه اصول سیاست خارجی عمان است (سپوتنیک/ایران، ۲۰۱۹: ۱-۲).

عمان از لحاظ اقتصادی در بین کشورهای حوزه خلیج فارس، کشوری متوسط و وابسته به صادرات نفت است. میزان تولید ناخالص داخلی عمان در سال ۲۰۰۹م حدود ۶۲/۵ میلیارد دلار و سرعت رشد این شاخص در سال ۲۰۱۰م برابر با ۲/۴ درصد بوده است. متوسط درآمد سرانه عمان با افزایش قیمت‌های نفتی افزایش یافته و از ۷۴۸۱ دلار در سال ۱۹۹۸م به ۲۵۶۰۰ دلار در سال ۲۰۱۰م رسیده است. نرخ تورم در سال ۲۰۱۰م برابر با ۲/۳ درصد بوده است (حافظ‌نیا و ربیعی، ۱۳۹۲: ۸۵). در سال ۲۰۱۹م، نرخ تورم در عمان به ۱/۵ درصد رسید، اگرچه در بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰م به ۳ درصد رسید. کسری بودجه تا ۱۲ درصد در سال ۲۰۱۰م به دلیل کاهش قیمت‌های نفتی بود. اما، در سال ۲۰۱۸م، حدود ۲/۱ درصد افزایش یافت، درحالی‌که بودجه ۲۰۱۹م تقریباً ۳ درصد افزایش پیدا کرد. این درحالی است که در سال ۲۰۱۸م، توافق عمان با اوپک پلاس تولید نفت و صادرات را تا ۱/۲ درصد کاهش داد (World Bank, 2019).

۵. میانجیگری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی عمان

عمان میانجیگری فعال بین اسرائیل و فلسطین، امریکا و ایران، و ایران و عربستان بوده است. در مورد میانجیگری عمان بین فلسطین و اسرائیل، یوسف بن علوی در حاشیه نشست ورشو و در بررسی وضعیت غرب آسیا تلاش کرد با بنیامین نتانیا، نخست وزیر پیشین اسرائیل، دیدار کند و با ایجاد صلح و کاهش تنش‌ها، معادلات منطقه‌ای را ارتقا بخشد (سلوکی، ۱۳۹۷: ۱-۲). همچنین، عمان به فکر تیره‌کردن روابط سیاسی خود با ایران نیست تا معادلات منطقه‌ای را با صلح رقم بزند و از این طریق وجهه و احترام بیشتری از طریق میانجیگری به دست آورد؛ ابتکار عمل را از دست عربستان بیرون آورد؛ و در مقابل زیاده‌خواهی‌های عربستان غیرمستقیم ایستادگی کند.

جنگ در یمن و قتل خاشقچی در کنسولگری عربستان در ترکیه، ضرباتی

به وجهه عربستان در پیشبرد فرایند مورد نظر نتانیاهو و ترامپ در حل مسئله فلسطین وارد کرد. وارد شدن عمان در مسائل میانجیگری و عدم حساسیت‌های بین‌المللی (به دنبال قتل خاشقجی و جنگ یمن) به پیشبرد صلح یاری می‌کرد. میانجیگری عمان در اختلاف اسرائیل و فلسطین، با برنامه‌های عربستان همخوانی ندارد. عربستان می‌پندارد که در جایگاه رهبری کشورهای عرب حوزه خلیج فارس قرار دارد و به این رویکرد عمان دیدگاهی منفی داشته است. مجموع این عوامل، مخالفت‌های عربستان و حتی امارات را شکل داد و عمان را تحت فشار قرار دادند. از نظر عمان، این تهدیدی برای ثبات و امنیت این کشور بود و از طریق میانجیگری بین اسرائیل و فلسطین و بقیه کشورهای سعی کرد سیاست بی‌طرفی خود را هرچه بیشتر تثبیت کند. برای فلسطینی‌ها و محمود عباس نیز محمد بن سلمان در زمینه سیاست‌های ضد فلسطینی همراهی بیشتری با امریکا دارد و به منظور دستیابی به حقوق فلسطینی‌ها، عمان با سیاست‌های متعادل تر می‌تواند کمک‌کننده تر باشد (سوری، ۱۳۹۷: ۱-۲).

استقلال طلبی عمانی‌ها نیز سبب شده است که این کشور مذهب خاص خود، یعنی اباضیه، را داشته باشد تا مسیر خاص خود را در اسلام دنبال کند و استقلال رأی خود را در برابر عربستان سعودی نشان می‌دهد؛ اینکه عمان به جای اینکه، مانند کشورهای دیگر، به دلخواه کشورهای منطقه عمل کند، به دنبال منافع خود است. از طرفی، توان مالی و فناوری اسرائیل برای عمان اهمیت دارد و رابطه مطلوب اسرائیل و هند مزید بر علت شده است و نفوذ زیادی در عمان دارد (میرگلوی بیات، ۱۳۹۷: ۱-۳).

سفر نتانیاهو به عمان فواید بی‌شماری برای اسرائیل داشت، به طوری که اسرائیل در برابر دشمنان موقعیت، امنیت و توانمندی بیشتری پیدا کرد و می‌تواند با هزینه کمتری به حل و فصل موضوع فلسطین بپردازد. در صورتی که اسرائیل با کشورهای عربی رابطه مطلوبی پیدا کند و روابط عادی تری با جهان عرب داشته باشد، امکان سازش با فلسطینی‌ها هم ممکن است به تدریج ایجاد شود (تسنیم، ۱۳۹۷: ۱-۲). تحلیل بیانیه‌های مختلفی هم که از طرف نتانیاهو صادر شده است، نشان می‌دهد هدف از سفر او به عمان، دستیابی به صلح و ثبات در خاورمیانه، مذاکره درباره پیشرفت فرایند صلح خاورمیانه و امور مربوط به منافع مشترک است و عمان میانجی بین طرف‌های درگیر منطقه است تا مناقشات کاهش یابد و زمینه‌های صلح فراهم شود (قدس، ۱۳۹۷: ۳-۴).

سفرهای مقام‌های عالی‌رتبه بین دو کشور ایران و عمان نیز صورت گرفته است. در بسیاری از مسائل منطقه و شورای همکاری خلیج فارس، عمان به سود ایران عمل کرده است. عمان کانال ارتباطی ایران با کشورهای عربی مانند مصر و برخی سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. در زمان جنگ ایران و عراق، عمان سعی می‌کرد راه حل مسالمت‌آمیزی پیدا کند. عمان نه در کنار ایران قرار گرفت و نه به پیام‌ها برای قطع رابطه با ایران اهمیتی داد. در سال ۱۳۶۶ش، عمان تلاش کرد تا با برگزاری نشست‌هایی، به جنگ ایران و عراق خاتمه دهد، ولی نتیجه چشمگیری نداشت. در برنامه هسته‌ای ایران نیز بین ایران و آمریکا میانجیگری کرده است. عمان برنامه هسته‌ای ایران را صلح‌آمیز قلمداد می‌کند و با این دیدگاه که منطقه با جنگ و تنش جدیدی روبه‌رو نشود، در مذاکرات صورت گرفته در مسقط میانجیگری کرده است (کرمی و دوست‌محمدی، ۱۳۹۷: ۱۳۷).

یوسف بن علوی استدلال کرده است که موضوع ثبات و توسعه بین ایران و عمان باعث شد بحث حل اختلاف‌های آنان با آمریکا مطرح شود و ایران همسایه کشورهای عربی در خلیج فارس بوده است و همسایگان نمی‌توانند با هم در نزاع دائمی باشند. عمان بر اساس معیارهای سیاست خارجی این کشور، به گفتگو باور دارد و حتی با وجود اختلاف‌ها، گفتگو و مذاکره با طرف‌های درگیر را قطع نمی‌کند. عمان معتقد است با گفتگو، اختلاف‌ها در هر مرحله‌ای که هست کاهش خواهد یافت. چنین دیدگاهی، فضایی را برای عمان ایجاد کرده است که به واسطه آن می‌تواند انعطاف‌پذیر باشد. از طرف دیگر، ایران و آمریکا هم تا حدی قانع شدند که یا باید وارد گفتگویی واقعی شوند یا با درگیری مرگبار و کشنده روبه‌رو شوند (تابناک، ۱۳۹۳: ۲-۳).

از دیگر اولویت‌های عمان، سود اقتصادی و حفظ امنیت منطقه‌ای است. روابط تجاری با عمان و صادرات ایران و عمان روندی افزایشی داشته است. اما نبود نقشه راه و برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری مشترک باعث شده است سیر تبادلات دو کشور منطقی نداشته باشد. مهم‌ترین اسناد امضاشده بین دو کشور در حوزه تجارت و اقتصاد عبارت است از موافقتنامه تجارت دریایی، موافقتنامه بازرگانی بین دو کشور، تفاهمنامه همکاری گردشگری و ترانزیت. تشکیل شورای بازرگانان ایران و عمان، افتتاح دفتر همکاری‌های اقتصادی عمان در بندر عباس، حضور شرکت‌های ایرانی در مناقصه‌های عمان و برگزاری نمایشگاه‌ها، از مهم‌ترین

اقدام‌های به‌عمل‌آمده در چارچوب روابط دوجانبه اقتصادی میان ایران و عمان است (مختاری و آدمی، ۱۳۹۶: ۲۱۹-۲۲۰).

ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ایران و عمان در اجرای طرح‌های مشترک اقتصادی در صنعت نفت و پتروشیمی اهمیت دارد، اما طرح‌هایی مانند سرمایه‌گذاری مشترک برای توسعه میدان گازی کیش، طرح صادرات گاز ایران به عمان، بهره‌برداری از حوزه‌های مشترک گازی، و سرمایه‌گذاری در صنایع پتروشیمی، به دلیل عدم توافق درباره قیمت گاز عملی نشد. با این حال، تعدادی از پیمانکاران ایران در عمان احداث نیروگاه ۳۰ مگاواتی شرکت مپنا و پروژه احداث نیروگاه ۵۰ مگاواتی در مسقط را به مرحله اجرا درآورده‌اند (کرمی و دوست‌محمدی، ۱۳۹۵: ۱۴۰).

میانجیگری عمان بین ایران و عربستان به رویداد و مراسم حج بیت‌الله الحرام سال ۱۳۶۶ش برمی‌گردد؛ حین جنگ ایران و عراق، عربستان سعی کرد دیگر کشورهای عربی را با خود همراه سازد و هرچه بیشتر ایران را تهدید کند. عمان از جمله کشورهایایی بود که صدور بیانیه عربستان را رد کرد. در سال ۱۳۷۰ش، عمان با میانجیگری‌های خود موجب شد روابط ایران و عربستان، بعد از چند سال تیرگی، از سر گرفته شود (همان: ۱۳۸). ریشه اختلاف‌های بین ایران و عربستان با پیروزی انقلاب اسلامی به اوج رسید و عربستان، ایران با مذهب شیعه را تهدیدی علیه خود تصور می‌کرد و تبلیغات وسیعی را علیه ایران شروع کرد. در بحبوه جنگ ایران و عراق، عربستان و برخی دیگر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، از عراق حمایت مالی و راهبردی کردند. بعد از جنگ نیز تهدیدهای عربستان علیه ایران در مراسم حج و کشتار جمعی از حجاج ایرانی سبب شد رابطه دو کشور قطع شود. بعد از بهبود نسبی روابط نیز ارتباط عمیقی تاکنون شکل نگرفته است و عربستان سیاست‌های ضدایرانی را در جنگ یمن، علیه ایران اعمال کرده است (Shayan, 2017: 142-173).

نتایج منابع مختلف نشان می‌دهد که هدف اصلی سفر ناگهانی یوسف بن علوی به ریاض در سال ۱۳۹۳ش میانجیگری بین ایران و عربستان است. روابط دوجانبه آن‌ها در قبال بحران سوریه، یمن و برنامه هسته‌ای ایران رو به وخامت گذاشته بود. در آبان ۱۳۹۸ش نیز محمد بن سلمان نامه‌ای محرمانه به اسعد بن طارق، پسرعموی سلطان قابوس، فرستاد و در زمینه میانجیگری عمان بین ایران و عربستان صحبت کرد. عمان با خط‌مشی اعتدال و تجربه گذشته مبنی بر

میانجیگری، به دنبال برقراری ثبات در یمن است. از آغاز جنگ علیه یمن، عمان در میزبانی مذاکرات و طرف‌های یمنی، ایرانی و عربستانی نقش مهمی داشته و مذاکرات محرمانه‌ای نیز صورت گرفته است. جنگ یمن هرچه بیشتر دلارهای عربستان را هزینه می‌کرد و خسارت‌های مالی هنگفتی برای این کشور داشت. مقاومت انصارالله یمن در برابر عربستان در جریان حمله به آرامکو، کمین در منطقه نجران، حوادث نفت‌کش‌ها در جنگ خلیج فارس و سرنگونی پهباد امریکایی در آب‌های سرزمینی ایران، به عربستان نشان داد وارد جنگ شدن با ایران مقرون به صرفه نیست و عربستان خواستار میانجیگری عمان شد (میرگلوی بیات، ۱۳۹۹: ۱-۲؛ یرزا، ۱۳۹۸: ۱-۳).

در آبان ۱۳۹۸ش، وزیر امور خارجه ایران با محمد عبدالسلام، سخنگوی انصارالله یمن در عمان، گفتگو کرد. این گفتگو در شرایطی انجام شد که وزرای امور خارجه ایران و عمان دیدار و رایزنی کرده بودند. این دیدارهای مکرر نشان‌دهنده آن است که عمان می‌تواند واسطه گفتگوی ایران و کشورهای عربی، به‌ویژه عربستان، باشد. روند خروج امارات از جنگ یمن سبب شده است عربستان هرچه بیشتر در این جنگ تنها بماند. اگرچه عربستان با ازدست‌دادن متحدان خود در جنگ و متحمل شدن خسارت‌های زیاد مایل است از جنگ خارج شود و عمان نیز میانجیگری‌هایی را انجام داده است، عربستان همچنان درگیر جنگ است (نخعی، ۱۳۹۸: ۱-۲).

عمان سعی کرده است دیدگاه کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و ایران را به هم نزدیک کند و نشان دهد امنیت در خلیج فارس با حضور همه اعضای آن امکان‌پذیر است (Shayan, 2017: 120-130). جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی نیز محل مناقشات بین ایران و امارات بوده است؛ حتی برخی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، آن را مشکل و مناقشه دسته جمعی خود می‌دانند و با ایران به ستیز پرداخته‌اند (Ibid: 666-670). ایران با طرح صلح هرمز، تلاش‌هایی برای هم‌گرایی کشورهای حوزه خلیج فارس و یافتن زمینه‌های مشترک همکاری انجام داده بود و نشان داد که ایران به گسترش اختلاف مایل نیست. با وجود میانجیگری‌های عمان و طرح صلح هرمز، عربستان هنوز همکاری نکرده است (آفتاب، ۱۳۹۸: ۱-۲).

۶. نتیجه‌گیری

در ارزیابی نقش میانجیگری عمان باید گفت، این کشور در دهه‌های اخیر با پادشاهی سلطان بن قابوس، مناقشاتی را بین طرف‌های درگیر میانجیگری کرده است که به اعتبار و وجهه عمان در سطح بین‌المللی کمک کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این اعتبار در سایه درآمدهای نفتی و سیاست خارجی مستقل ایجاد شده است. اما، نخست، پذیرش یک کشور به‌عنوان میانجیگر کلید موفقیت او در این فرایند است و عمان سیاست خارجی بی‌طرف و مستقل را در پیش گرفته است. سلطان قابوس با دعوت از نتانیاهو، سیاستمداران امریکایی و ایرانی، و برخی اعضای اروپایی مذاکره‌کننده در برنامه هسته‌ای ایران به مسقط، مشروعیت نقش عمان را هرچه بیشتر افزایش داده است.

دوم، نقش مذاکره و گفتگوی صبورانه عمان با طرف‌های درگیر به ایجاد اعتماد، مذاکره و مدیریت آن‌ها در این میانجیگری کمک کرده است و هرچه بیشتر نقش سلطان قابوس و وزیر خارجه او را نشان می‌دهد که سعی کرده‌اند متعهدانه میانجیگری کنند، اگرچه ضرورتاً صلح و کاهش مناقشات را در پی نشده باشد.

مجموع این نتایج نشان می‌دهد که عمان به‌طور سنتی نقش میانجیگری را انجام می‌دهد و به‌طور نهادینه و علمی، دانش حل معضلات و مناقشات را ندارد و بر اساس تجارب شخصی سلطان قابوس و گروه همراهش عمل کرده است. نقش قدرت مالی عمان هم قابل‌ملاحظه است؛ زمانی که قیمت‌های نفتی بسیار بالا بود، درآمد نفتی عمان به نقش میانجیگری این کشور کمک بسیاری کرده است تا طرف‌های درگیر در هتل‌های لاکچری مسقط پذیرایی شوند و در محیطی آرام به مذاکره بپردازند. اما اینکه برخی مذاکرات با میانجیگری عمان به نتیجه نرسیده است، نشان‌دهنده این است که نتایج موقتی بوده است و یا عمان برای حل منازعات بعد از آتش‌بس موقت سازوکارهای مناسب را نداشته است. این، فقدان دانش کافی برای میانجیگری پیشرفته در عمان را نشان می‌دهد. عمان در میانجیگری‌های خود، طرفین مناقشه را تشویق به صلح می‌کند و برای حل دعوایها و مناقشات ابزاری قوی و طرح بلندمدت را ندارد.

یافته‌های دیگر پژوهش حاکی از این است که عمان مدل پیشرفته‌ای از میانجیگری را ارائه نداده است و مجموعه‌ای از عوامل مانند سیاست خارجی معتدل و بی‌طرف، وضعیت اقتصادی و ارتباط با طرفین مناقشه نقش سنتی میانجیگری را برای عمان سبب شده است؛ اگرچه میانجیگری‌های عمان،

راه‌حل‌های کوتاه‌مدت به وجود آورده است. میانجیگری موفق به نهاد و گروه‌های با تجربه احتیاج دارد تا روند پیشرفت مسائل بعد از مذاکرات را بررسی کنند. عمان در حال حاضر فاقد آن‌هاست. عمان در کوتاه‌مدت موفقیت‌هایی در میانجیگری در سطح منطقه و بین‌الملل کسب کرده است، اگرچه لازم است در درازمدت به‌طور نهادینه و با دانش کافی اقدام به میانجیگری کند. این امر نیازمند آن است که تحقیقات بیشتری در این زمینه صورت پذیرد.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

اصول اخلاقی

نویسنده در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته است؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسنده است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته است.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مکاتبه فرمایید.

منابع

قرآن.

- اسپوتنیک ایران (۲۰۱۹). «آمادگی عمان برای میانجی‌گری میان تهران و واشنگتن». ۹ می. <https://ir.sputniknews.com> (دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲).
- ایرنا (۱۳۹۸ الف). «بوی میانجی‌گری از نامه سری بن سلمان به عمان». ۴ آبان. <https://www.irna.ir/news/> (دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲).
- (۱۳۹۸ ب). «روابط مصر و عربستان در سایه تنش‌های بی‌صدا». ۶ آذر. <https://www.irna.ir/news/> (دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲).
- (۱۳۹۸ پ). «عمان: با ترور سلیمانی زمینه‌ای برای میانجی‌گری بین ایران و امریکا نیست». ۱۸ دی. <https://www.irna.ir/news/> (دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲).
- آفتاب (۱۳۹۸). «میانجی عمان دوباره در تهران: هدف از سفرهای بن علوی به ایران چیست؟». ۲ بهمن. <https://aftabnews.ir/fa/news/> (دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲).
- برنا (۱۳۹۰). «پادشاه جدید عمان روابط خود را با ایران حفظ می‌کند: تلاش عربستان و امریکا

- برای کاهش روابط میان تهران و مسقط». ۳۰ ژوئن. <https://www.isna.ir/news> (دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲).
- تابناک (۱۳۹۳). «عمان: میانجی شدیم تا ایران و امریکا گفتگو کنند». ۳۱ فروردین. <https://www.tabnak.ir/fa/news/> (دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲).
- تسنیم (۱۳۹۷). «مسابقه رژیم‌های عربی برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل، انگیزه‌ها و پیامدهای سفر نتانیاهاو به عمان». ۵ آبان. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/> (دریافت: ۱۴۰۰/۸/۲).
- جعفری ولدانی ا. (۱۳۸۹). «ژئوپلیتیک تنگه هرمز و روابط ایران و عمان». *پژوهشنامه علوم سیاسی*. ۳(۵): ۳۵-۶۷.
- حافظنیا مر، ربیعی ح. (۱۳۹۲). *مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس*. تهران: سمت.
- حسینی ک. (۲۰۱۸). «عمان: میانجی‌گر گوشه‌گیر اما موفق‌خاورمیان‌ه». <https://www.bbc.com/persian/iran-features-46005812> (دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲).
- خبرآنلاین (۱۳۹۸). «از عراق گرفته تا سوئیس، به دنبال میانجی‌گری برای ایران». ۴ خرداد. <https://www.khabaronline.ir/news/> (دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲).
- رویداد ۲۴ (۱۳۹۸). «بحران میانجیگری در منطقه: آیا به پادشاه جدید عمان امیدی هست؟». ۲۸ دی. <https://www.rouydad24.com/fa/news/> (دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲).
- سلوکی، و. (۱۳۹۷). نقش کلیدی عمان در منطقه. تهران: مرکز بین‌المللی مطالعات صلح. <http://peace-ipsc.org/fa/> (دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲).
- سوری ر. (۱۳۹۷). «سفر نتانیاهاو به مسقط: اهداف و انگیزه‌های عمان و اسرائیل». مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام. ۱۴ آبان. <http://www.iiwfs.com/islam-world/islam-world-notes-and-papers/> (دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲).
- عزتی م. (۱۳۹۸). «دیپلماسی اعتدال و رفتار هوشمندانه عمان در تحولات منطقه‌ای». ۳ تیر. <http://peace-ipsc.org/fa/> (دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲).
- قدس (۱۳۹۷). «تایمز اسرائیل: آیا ایران هدف پنهانی سفر نتانیاهاو به عمان بود؟». ۵ آبان. <https://www.qodsna.com/fa/319594> (دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۲).
- کرمی اد، دوست‌محمدی ا. (۱۳۹۵). «تحلیل ژئوپلیتیک روابط ایران و عمان در قبل و بعد از انقلاب اسلامی». *فصلنامه ژئوپلیتیک*. ۱۲(۳): ۱۲۱-۱۵۱.
- مختاری م، آدمی ع. (۱۳۹۶). «الزامات اقتصادی توسعه روابط ایران و عمان». *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*. ۲۳(۱): ۲۰۷-۲۳۲.
- مشرق نیوز (۱۳۹۸). «گزارش بنیاد دفاع از دموکراسی: عمان دیگر بی‌طرف نیست؟ تاریخچه میانجی‌گری سلطان میان عمان و ایران». ۱۶ تیر. <https://www.mashreghnews.ir/news/> (دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۴).
- (۱۳۹۳). «چرا عمان محل دیدار هیئت‌های دولتی ایران و عمان است؟». ۱۷ آبان. <https://www.mashreghnews.ir/news/> (دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲).
- میرگلوی بیات ج. (۱۳۹۹). «یک کارشناس مسائل عمان: میانجی‌گری بین ایران و غرب ادامه

خواهد داشت»/ایسنا. ۱۰ فروردین. <https://www.isna.ir/news/> (دریافت ۱۹/۱۰/۱۴۰۰).

----- (۱۳۹۷). «رابطه عمان با اسرائیل، رقابت با عربستان یا دوری از ایران؟». دیپلماسی ایرانی. ۲۷ بهمن. <http://irdiplomacy.ir/fa/news/> (دریافت: ۲/۱۰/۱۴۰۰).

نخعی ر. (۱۳۹۸). «دیدارهای متوالی مقامات ایران، عمان و یمن در مسقط، میانجی در سرزمین میانجی». مشرق. ۴ دی. <https://www.magiran.com/article/3998169> (دریافت: ۱۹/۱۰/۱۴۰۰).

واعظی م. (۱۳۸۴). «مبانی نظری میانجی‌گری در مناقشات بین‌المللی». *دانشنامه حقوق و سیاست*. ۱(۲): ۱۱-۳۶.

- Al- Balushi M. (2020). "Oman's Neutrality; The Peaceful Weapon to Protect the Country's Security". *American Journal of Political Science*. 54(2): 1-12.
- Barakat S. (2014). "Qatari Mediation: Between Ambition and Achievement". *Brooking Doha Center Analyses Paper*. November 12. <https://www.brookings.edu/research/qatari-mediation-between-ambition-and-achievement/> (accessed 12.2.2021).
- Bercovitch J, Rubin JZ. (1992). *Mediation in International Relations*. New York: St. Martin's Press.
- Bohmelt T. (2010). "The Effectiveness of Tracks of Diplomacy Strategies in the Third Parties Intervention". *Journal of Peace Research*. 74(2): 160-180.
- Bpake RR, Mounton JS. (1985). *Solving Organizational Conflicts*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Brynen RJ. (2016). "Iran vs Saudi: Oman's Neutrality May Be Key to Resolving Region's Conflicts". *Al-Ahram*. 14 February. <http://english.ahram.org.eg/News/187274.aspx> (accessed: 12.12.2020).
- Defense of Democracies (2019). "Oman and Mediation". available at: <https://www.fdd.org/> (accessed: 12.2.2020).
- Shayan F. (2017). *Security in the Persian Gulf Region*. London: Palgrave McMillan.
- Slim RM. (1992). "Small State Mediation of the Iranian Hostage Crisis". in Bercovitch, Jacob and Rubin, Jeffrey Z., *Mediation in International Relations: Multiple Approaches to Conflict Management*. London: Hampshire: 206-231.
- Stenelo LG. (1972). *Mediation in International Negotiations*. Lund: Student Literature.
- World Bank (2019). "Oman: Economic Update-April 2019-May 1". www.Worldbank.Org/Country/gcc/publication/Oman-economic-update-april-2019 (accessed: 1.2.2021).
- Worrall J. (2021). "Switzerland of Arabia: Omani Foreign Policy and Mediation Efforts in the Middle East". *The International Spectator*. 56(4): 134-150.